**باسمه تعالی**

موضوع: اصول عملیه/استصحاب /ادله/مضمره دوم زراره/دلالت/فقره سوم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در صحیحه دوم زراره و دلالت آن بر استصحاب که بیان شد این روایت مشتمل بر فقراتی است که به واسطه برخی از آن ها می توان بر حجیت استصحاب اقامه دلیل نمود.

## بررسی مفاد فقره سوم روایت

یکی از فقرات روایت مزبور، فقره سوم آن یعنی؛ «فَإِنْ ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَ لَمْ أَتَيَقَّنْ ذَلِكَ فَنَظَرْتُ فَلَمْ أَرَ شَيْئاً ثُمَّ صَلَّيْتُ فَرَأَيْتُ فِيهِ قَالَ تَغْسِلُهُ وَ لَا تُعِيدُ الصَّلَاةَ قُلْتُ لِمَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ ثُمَّ شَكَكْتَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ أَبَداً» است، که باید از مفادش بحث شود.

در این فقره گفته شده است که اگر مکلف گمان به نجاست لباسش داشته باشد، ولی با فحص هم آن موضع مظنون را پیدا نکرد، ولی در حین نماز نجاستی را در لباس خود مشاهده کرد که محتمل است همان نجاست مظنون قبل از نماز بوده باشد، بایست آن نجاست را بشوید ولی در عین حال اعاده نمازش لازم نیست، بر خلاف دو فرض قبلی که اعاده هم لازم بود، به همین خاطر سائل در مقام سوال از فرق این فقره با دو فقره قبل بر آمده است که پاسخ حضرت به این سؤال و تردید در بردارنده کبرایی است که ممکن است بر استصحاب تطبیق شود.

### اشکال: تردد در نسخه اصلی بین «رأیته فیه» و «رأیت فیه» و تفاوت در دلالت دو احتمال

در این فقره بحث مهمی مطرح شده است که در حل اشکال مهمی در مقام تاثیر دارد.

این اشکال مبتنی بر این است که نسخه روایت، «فرایته فیه» باشد؛ چرا که بر اساس این نسخه، مراد از رؤیت، همان نجاست مظنونه در نماز است، اما مرحوم صدر نسخه اصلی روایت را «فرأیت فیه» دانسته است و با این بیان اشکال مذکور مندفع است، ولی در نسخه علل در دو موضع و نقل مرحوم علامه مجلسی در بحار الأنوار، «فرأیته فیه» آمده است، لذا باید دلالت را بر اساس هر دو نسخه تمام دانست و یا وجهی برای تعیُّن نسخه «رأیت فیه» پیدا کرد.

اما به هر حال به این کلام مرحوم صدر اشکال وارد است، چرا که؛ بالاخره این نسخه یکی از نسخ موجود است و باید بر اساس این نسخه هم، دلالت تمام باشد، مضافا به این که نسخه صحیح همان «فرأیته فیه» است، و سِرّ آن هم این است که تلقی و مفروض در روایت، رؤیت نجاست موجوده در حال نماز است نه رؤیت نجاستی که محتمل است بعد از نماز عارض شده باشد، و به این وجه این سؤال با سؤال اول و دوم، تفاوت ماهوی پیدا کند، البته مرحوم صدر، در مقام، فهم فقهاء و اصولیون را در استظهار این معنا تخطئه نموده است در حالی که بر اساس این نسخه این استظهار کاملا به جا خواهد بود.

### احتمالات موجود در فراز «فنظرت لم أر شیئا» در فقره سوم

#### احتمال اول: عدم علم به نجاست قبل از نماز

این معنا احتمال دارد که؛ مکلف بعد از گمان قبل از نماز به نجاست، فحص کرده ولی نجاست را ندیده باشد و در نتیجه یقینی هم بر طهارت حاصل نشده است، در این صورت هم بر اساس نسخه «رأیت» و هم نسخه «رأیته»، دلالت بر استصحاب جا دارد، یعنی چه این که مراد رؤیت همان نجاست مظنون باشد و چه این که مراد رؤیت نجاست جدیدی بوده باشد، تطبیق استصحاب بر این فقره تمام است، و در یک کلام بر اساس این احتمال، مراد از «فنظرت لم ار شیئا»، علم به عدم نجاست نیست، بلکه عدم علم به نجاست است.

#### احتمال دوم: علم به عدم نجاست قبل از نماز

ولی در مقام احتمال دیگری هم وجود دارد که بر اساس آن، دلالت بر استصحاب زیر سؤال می رود؛ به این معنا که این جمله کنایه از یقین به عدم نجاست باشد، کما این که اگر لباس مظنون النجاسة به خون، لباس روشنی باشد که خون به راحتی در آن دیده می شود؛ می توان از عدم رویت، یقین به عدم نجاست پیدا کرد، در این صورت مورد روایت مجمل بین استصحاب و قاعده یقین می شود، و از آن جا که نمی تواند بر هر دو دلالت داشته باشد؛ دلالت آن بر استصحاب هم مخدوش خواهد بود.

بر اساس این احتمال، اگر نسخه اصلی روایت «رأیته فیه» باشد، این روایت نه به کار قاعده یقین و نه به کار استصحاب می آید، چرا که یقین به نجاست در حال نماز وجود دارد و به این واسطه استصحاب منتفی است و از طرفی یقین به خلاف یقین سابق پیدا شده است و در نتیجه قاعده یقین هم منتفی خواهد بود، اما اگر نسخه اصلی «رأیت فیه» باشد، بر قاعده یقین دلالت دارد، چون بحث از سرایت شک به یقین سابق که همان مجرای قاعده یقین است، خواهد بود.

با توجه به این احتمالات مرحوم آخوند دو احتمال را بیان نموده است، ولی مرحوم صدر از این دو احتمال به دو احتمال دیگر هم رسیده است و در مجموع چهار احتمال را مطرح کرده است.

بنابراین، استدلال به این روایت بر استصحاب، مبتنی بر این است که مراد از جمله ی «لم ار شیئا»، یقین به طهارت در حال صلاة نباشد و به تبع تعلیل «لأنک کنت علی یقین» هم، به معنای یقین به عدم نجاست در حال نماز است که با فحص در حال نماز و یقین به عدم نجاست در حال صلاة حاصل شده باشد، و الا روایت مبتلا به اجمال بین قاعده یقین و استصحاب می شود، و ان شاألله خواهد آمد که برای کیفیت دلالت این روایت بر استصحاب باید، مراد از یقین در تعلیل «لأنک کنت علی یقین»، یقین به طهارت قبل از نماز باشد نه بعد از آن، چرا که؛ اولا، در روایت فرض نشده است که با عدم رؤیت، یقین به طهارت حاصل شده باشد و عدم رویت اعم از یقین است، و ثانیا، روایت اطلاق دارد، یعنی اعم از این که، از عدم رؤیت، علم به عدم نجاست حاصل شده باشد یا این که علمی حاصل نشده باشد، حالا اگر مطلق جمع القیود بود، مفروضیت یقین ممکن بود، اما با توجه به این که مطلق جمع القیود نیست بلکه رفض القیود است، این مفروضیت منتفی است، یعنی این طور نیست که حتما حضرت فرض فرموده باشند، که یقین به طهارت در حال نماز وجود داشته باشد، و تنها چیزی که می ماند، این است که مستفاد از «لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ» این است که علی کل حال، یک یقین وجود دارد و این یقین چیزی نیست جز همان یقین قبل از نماز که قابل استصحاب است، بنابراین مطلق با بود و نبود قید، سازگار است و در این صورت، حتما منظور از یقین به طهارت در فقره «لِأَنَّكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ» همان یقین به طهارت سابق است؛ چرا که شمول روایت نسبت به یقین بعد از فحص، اطلاقی است و در شمول اطلاقی لازم نیست آن قید، در همه حال ثابت باشد.

|  |
| --- |
|  |